نرم‌های نشر
روایت‌های مقام معظم رهبری از سردار سلیمانی

کتاب «نماد امید و مقاومت» اثر جدیدی از انتشارات قدر ولایت است که در آن روایت‌هایی از رهبر انقلاب درباره شخصیت سردار سلیمانی گردآوری شده است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، گروه تحقیق مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت روایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در خصوص سپهبد شهید سردار حاج‌قاسم سلیمانی را در کتابی با عنوان «نماد امید و مقاومت» تدوین و منتشر کرده است.

در این کتاب ابتدا شخصیت و خصوصیات بارز آن شهید از نگاه امام خامنه‌ای همچون شجاعت و مقاومت، تدبیر و درایت، اخلاص و صدق، انقلابی‌گری، امید و اعتماد به نفس، رعایت حدود شرعی، دشمن‌شناسی، هوش و ذکاوت، روحیه فداکاری و تلاش خستگی‌ناپذیر مطرح شده است.

سپس توصیفات رهبری از شهید سلیمانی مانند تبلور ارزش‌های فرهنگی ایرانی، قهرمان ملی، مظهر اقتدار ملی‌ترین و امنی‌ترین ارائه شده است. مجموعه این توصیفات در واقع بیان «مکتب شهید سلیمانی» است که یک مدرسه برای الگوگیری و اقتدای جوانان ایران و جهان به راه آن شهید عزیز است.

زیرنویس‌های کتاب توضیحات لازم برای برخی نکات مطرح شده در بیانات رهبری را بیان کرده است. همچنین با ارائه پیوست‌هایی از مطالب مهم و مطرح شده در رسانه‌های جهانی و داخلی وصیت‌نامه کامل آن شهید به تکمیل مباحث کتاب پرداخته شده است. تصاویر چهار رنگ پایانی کتاب گویای نقش، جایگاه و بزرگی آن شهید است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «رهبر معظم انقلاب اسلامی به زیبایی و درستی، شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی را یک «مکتب» دانستند که آن را در مکتبخانه امام خمینی(ره) فراگرفته است. قطعاً خود معظم‌له نیز بخش اعظم عناصر این «مکتب» را در وجود شهید سلیمانی باور ساخته‌اند.

در ترسیم این «مکتب» و شاخص‌های آن نیز رهبری انقلاب حق مطلب را در مورد شاگرد شاخص امام خمینی(ره) ادا نموده‌اند. شاخص‌هایی چون اخلاص، شجاعت، تقید به ضوابط شرعی، مقاومت و ایستادگی، امید، مردمی بودن، مقید به اصول انقلاب و... از جمله عناصر «مکتب» شهید سلیمانی است.

البته آنچه در خصوص این «سرباز ولایت» نگاشته و بیان شده است، همه ثروت معنوی و دانشنامه‌های جهاد مخلصانه ده‌ها ساله انویست و قطعاً در آینده از تلاش‌های او در صحنه جهاد بین‌المللی علیه استکبار جهانی و دست‌نشانده‌های او چون داعش و نیز عشق و کوشش او در تقویت جبهه مقاومت اسلامی در منطقه و رفع خطر از نظام جمهوری اسلامی و کمک‌های بی‌منت او به مردم و حل مشکلات آن‌ها و بالاتر از این، عشق و بندگی و تضرع او به درگاه حق تعالی و شوق دیدار وجه الله، بسیار گفته شده و اسناد مهمی انتشار خواهد یافت، اما آنچه گفته شده است به خصوص توضیحات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، شهید حاج قاسم سلیمانی را شخصیتی بسیار بلندمرتبه و صاحب فضیلت‌های ارزشمند و انسانی مخلص و وفادار به عهد و پیمان خود با خداورهبری و مردم نشان می‌دهد که علاوه بر وجهه ملی و دلبسته به وجهه فرهنگ ایرانی اسلامی، وجهه بین‌المللی او نیز ترسیم می‌شود».

نکته ها
آیت‌الله مجتبی تهرانی

نقش هدایتی و احیای نفوس در مجالس امام حسین(ع)

گاهی به دوستانم می‌گویم بیایید مجالسی که به نام امام حسین(ع) است، نقش هدایتی و احیای نفوس دارد. به هر نحوی می‌توانید در این نقش کمک کنید، چقدر بالاست! البته منظور این نیست که کار خاصی انجام بدهد؛ ولو شده انسان، دوست، رفیق یا هر کسی را که امام حسین(ع) است، مطلب طریفی است. شرط قبولی عمل، مسئله هر کس یک نفر را زنده کند، مثل آن است که همهٔ انسان‌ها را زنده کرده است». احیای نفس غیر احیای بدن است، احیای نفس در ارتباط با بُعد انسانیت است، انسانی را نجات بدهد که نجات دادن، در این طریق قرار دادن است. چقدر عظمت دارد! در هر مجلس، محفل و رابطه‌ای که بتواند در این مسیر قرار بدهد «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً؛ هر کس یک نفر را زنده کند، مثل آن است که همهٔ انسان‌ها را زنده کرده است». احیای نفس غیر احیای بدن است، احیای نفس در ارتباط با بُعد انسانیت است، انسانی را نجات بدهد که نجات دادن، در این طریق قرار دادن است. چقدر عظمت دارد! در هر مجلس، محفل و رابطه‌ای که بتواند در این مسیر قرار بدهد «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً؛ هر کس یک نفر را زنده کند، مثل آن است که همهٔ انسان‌ها را زنده کرده است». احیای نفس غیر احیای بدن است، احیای نفس در ارتباط با بُعد انسانیت است، انسانی را نجات بدهد که نجات دادن، در این طریق قرار دادن است. چقدر عظمت دارد! در هر مجلس، محفل و رابطه‌ای که

مراجع

۷ توصیه آیت‌الله مکارم شیرازی برای عزاداران حسینی

از برگزاری ساده مراسم تا پرهیز از انحرافات

آیت‌الله مکارم شیرازی در توصیه‌هایی هفت‌گانه به خطبا، مداحان و عزاداران حسینی تأکید کرد: ماه محرم، ماه عزاداری سرور و سالار شهیدان یکی از سرمایه‌های عظیم جهان تشیع بلکه جهان اسلام است. به گزارش خبرگزاری شبستان، در بخشی از متن پیام آیت‌الله مکارم شیرازی به عزاداران حسینی به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم آمده است:

ماه محرم، ماه عزاداری سرور و سالار شهیدان یکی از سرمایه‌های عظیم جهان تشیع بلکه جهان اسلام است، ماهی که باید مسلمانان با الهام از عاشورای حسینی و در ظلّ عنایات آن حضرت، راه نجات از یوغ ستمگران را پیدا کنند و با شعار «هیهات منا الذله»، راه و رسم تقوا، آزادگی، جوانمردی، شجاعت و عدالت را بیاموزند. اکنون و در آستانه این ماه غمبار و جانسوز لازم است نکاتی چند را خدمت همه عزیزان یادآور شوم:

اول: ضروری است ضمن رعایت مسائل بهداشتی، مراسم عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) باشکوه‌تر از هر سال و با شور و شعور حسینی برگزار شود و هر یک از عاشقان آن حضرت به قدر توان خود در اقامه فرهنگ عاشورایی خدمت کنند.

دوم: سزاوار است خطبای محترم تنها به توصیف واقعه تاریخی عاشورا بسنده نکنند بلکه با بیان ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدهای نهضت امام حسین(ع) به خصوص جوانان را با اهداف عالی و مقدس این حادثه بزرگ که همان مبارزه حق در برابر باطل بود، آشنا سازند.

سوم: به مداحان محترم و مخلص نیز توصیه می‌کنم ضمن بیان حماسه‌ها و رشادت‌های سالار شهیدان و دیگر شهدای مظلوم کربلا و توسل به امام زمان(عج) بر آگاهی مردم بیفزایند و از اشعار مهوع و جلوه انحرافات احتمالی رابگریزند.

چهارم: عزاداران محترم و عاشقان اباعبدالله الحسین(ع) شایسته است از کارهایی که موجب وهن مذهب می‌شود، جداً خودداری کنند تا بهانه به دست مغرضان و دشمنان اهل بیت(ع) ندهند.

پنجم: متولیان هیئت‌های مذهبی ضمن پرهیز از اسراف با برگزاری مراسم سوگواری و مراسم پرخیر و برکت عزای حسینی، خلوص نیت را بر هر چیز ترجیح دهند، اوقات نماز را محترم بشمارند تا مشمول تفضلات الهی و عنایات خاصه آن حضرت شوند.

ششم: بی‌شک یکی از آموزه‌های مهم قیام امام حسین(ع) احیای دو فریضه فراموش شده امر به معروف و نهی از منکر و همچنین تعلیم و تربیت اسلامی است که حضرت در راه رسیدن به آن، خون پاک خویش و یارانش را نثار کرد. اگر این ارزش‌ها با رعایت ادب اسلامی و بدون هر گونه توهین در سطح جامعه به صورت فرهنگ عمومی درآید، بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی همچون بدحجابی و امثال آن چاره‌جویی خواهد شد و البته یکی از وظایف مجالس عزاداری خنثی‌سازی نقشه‌های شوم و سم‌پاشی‌های دشمنان در ایجاد همین معضلات اخلاقی است.

هفتم: اگرچه نابسامانی‌های اقتصادی و گرانی‌های افسارگسیخته به شدت مردم را رنج می‌دهد و هم‌طور که مکرراً متذکر شده‌ایم، لازم است متولیان مجالس عزاداری محترم مراقب مردم و مهار گرانی و تورم و تلاش مضاعف کنند، ولی این مسائل نباید شور عزاداری‌های حسینی را تحت تأثیر قرار داده و از حرارت آن بکاهد. توصیه می‌کنم همگان دست به دست هم داده، بر شکوه و عظمت این مراسم بیفزایند.

در پایان از همه عزاداران و ارادتمندان سید و سالار شهیدان می‌خواهم برای سلامتی و تعجیل در فرج بقیه‌الله الاعظم (ارواحنا له الفداء) و همچنین حل گرفتاری و مشکلات جوامع اسلامی دست به دعا بردارند و همگان از خداوند بخواهیم به برکت عزاداری و اشک بر مصائب سیدالشهدا(ع) و شهدای کربلا، خیر و برکت و توفیقات خاصه خویش را برای ملت اسلامی به ویژه مردم شریف و مؤمن ایران عنایت فرماید.

پارسا نیکوکار

تبیین نسبت قیام امام حسین(ع) و مقوله «سیاست و قدرت» از پربحث‌ترین مسائل در خصوص فلسفه نهضت عاشورا بوده است. دکتر نجف لکزایی استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم و رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در مجموعه گفتاری با عنوان «حکمرانی قرآنی و قیام امام حسین(ع)» تلاش کرده این مقوله را تبیین کند. در ادامه گزیده‌ای از دیدگاه‌های ایشان را در مقدمه این بحث از نظر می‌گذرانید.

■ «سیاست و قدرت»؛ نقطه شروع تحلیل قیام حسینی

اگر ما بخواهیم قیام امام حسین(ع) را تحلیل کنیم، نقطه شروع این قیام را باید از سیاست و قدرت شروع می‌شود. معاویه از دنیا رفته و یزید به جای او به حکومت رسیده است. یزید می‌خواهد نخبگان، رئوس و سران جهان اسلام به ویژه شخصیتی همچون امام حسین(ع) را به بیعت کنند به همین دلیل به حاکم مدینه دستور می‌دهد از این افراد بیعت بگیرد. جرقه قیام و در واقع از اینجا آغاز شده است. امام حسین(ع) از مدینه خائفاً مترقباً به سمت مکه تشریف می‌برند و به این ترتیب خودشان را از ذلت بیعت نجات می‌دهند.

■ عزت و ذلت؛ کلیدواژه‌های اساسی یک قیام

تحلیل امام حسین(ع) این است که بیعت با کسی مثل یزید ذلت آور است و عزت اسلامی را از بین می‌برد. دو مفهوم بسیار مهم در نهضت حسینی، مفهوم عزت و ذلت است. همان طور که در قرآن کریم می‌خوانیم: «العزه لله و رسوله وللمومنین» عزت برای انسان مؤمن خیلی اهمیت دارد و در این شرایط طبیعی است برای امام حسینی که یک رهبر دینی نیز هست اهمیت چندانی ندارد، در مکه هم شرایطی پیش می‌آید و مأموران حکومت می‌خواهند امام را در آنجا به شهادت برسانند. ایشان راه می‌افتد و به سمت کوفه می‌رود و بعد هم ماجرا به واقعه کربلا ختم می‌شود.

از نقطه آغاز قیام تا پایان آن که شهادت امام حسین(ع) است؛ حرکت و قیام امام حسین(ع) تماماً در ارتباط با حکومت و حکمرانی است. امام حسین(ع) یک گونه از حکومت را طرد می‌کند و از یک نوع حکمرانی دیگر دفاع می‌کند و می‌خواهد بگوید حکمرانی اسلامی آن گونه که یزید می‌گوید نیست و رابطه حکومت و مردم آن گونه که یزید می‌گوید نباید تنظیم شود. «مثلی لا یبایعه مثله» امام حسین(ع) می‌فرماید کسی همچون من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند و کسی مثل من حکمرانی کسی چون یزید را قبول ندارد.

■ از طرد حکمرانی جاهلی تا تلاش برای حکمرانی عقلانی

ما به لحاظ کلی با دو نوع حکمرانی مواجه هستیم؛ یک حکمرانی طاغوتی که انسان‌ها را از نور خارج به سمت ظلمت می‌برد و یک حکمرانی نیز حکمرانی توحیدی است که انسان‌ها را از ظلمت و بلکه از ظلمات خارج می‌کند؛ از ظلمت جهل، خودخواهی، غرور و انواع و اقسام تاریکی‌ها به سمت نور عقل، تقوا و معنویت می‌برد.

یک جمله‌ای در زیارت اربعین می‌خوانیم که همین نکته در آن نهفته است. خطاب به امام حسین(ع) می‌فرماید: «لیستنقذ عبادک من الجهالة...» امام حسین(ع) قیام کرد تا بندگان خدا را از جهالت خارج کند. به عبارتی یک حکمرانی جاهلی و مبتنی بر جاهلیت داریم که مجموعه نابسامانی‌های مادی و معنوی در آن هست و به دست تلاش می‌شود تا جامعه عقلانیت داریم. در حکمرانی مبتنی بر معنویت و ایمان که مجموعه دستاوردها و بسامانی مادی و معنوی در آن هست تلاش می‌شود تا جامعه هر از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی به سامان شود.

اگر از قرآن کریم استفاده کنیم، فلسفه قیام امام حسین(ع) در این جمله‌ای که برای فلسفه قیام‌ها ذکر شده، نهفته است: «لیقوم الناس بالقسط»؛ قیام امام حسین(ع) تجلی قیام عدالت در برابر ظلم و جور است. قیام امانت در برابر خیانت است. قیام توحید و برابر کفر و شرک است.

امام حسین(ع) اساسی می‌کند جامعه اسلامی از آن چیزی که پیامبر(ص) عزت و رحمت به خاطر آن مبعوث شده بود، دور شده است. جامعه اسلامی ارزش‌های دینی را فراموش کرده است. جامعه اسلامی برداشتی از ارزش‌های دینی پیدا کرده که دیگر با یزید هم می‌توانند کنار بیایند.

دکتر نجف لکزایی در گفتاری از فلسفه قیام امام حسین(ع) می‌گوید

قیام حسینی برای برپایی حکمرانی توحیدی

ما باید از الگوی حکمرانی قرآنی که مورد توجه امام حسین(ع) است و حضرت برای آن قیام کرده علیه آن قیام کردند، اگر حکومت و دولت و حکمرانی دست خودش را از دست انبیای الهی جدا کند و دست خودش را جدا کند سر از طاغوت درمی‌آورد.

گزیده

■ ضرورت تبیین همزمان حکمرانی قرآنی و حکمرانی طاغوتی

بزرگان ما فرموده‌اند حکومتی که مردم دارند، حکومتی در حد لیاقت‌های خودشان است و اگر جامعه‌ای، حکومت پادشاهی، طاغوتی و فرعونی دارد در حد لیاقت خودش است و اگر جامعه‌ای حکومتی عادلانه و مبتنی بر عدالت، عزت و کرامت دارد، این نیز متناسب با لیاقت‌های خود آن جامعه است. برای ما ایرانی‌ها قیام امام حسین(ع) مایه نجاتمان در دوره جدید شد. هم امام خمینی(ره) وقتی قیام خودش را شروع کرد با محرم شروع کرد و هم زمانی که قیام به پیروزی رسید در ایام محرم و از مناسبت‌های اربعین و عاشورا استفاده شد. انقلاب اسلامی با اربعین و نام امام حسین(ع) و عاشورا پیوند خورده است. وقتی ملت ایران در پیام امام حسین(ع) دقیق شدند و زمانی که خطبه‌ای ما پیام قیام حسینی را برای مردم به درستی توضیح دادند و زمانی که این فرمایش امام خمینی(ره) از سوی مردم به خوبی فهم شد که «خون بر شمشیر پیروز است» و زندگی با ذلت فاقد ارزش است و عزت ارزش آن را دارد که حتی انسان جان خودش را در راه آن فدا کند؛ این منجر به پیروزی ملت در انقلاب شد.

امام حسین(ع) فرمود اگر من در برابر یزید سکوت کنم شاید چند صباحی بیشتر زندگی کنم ولی با این کار فاتحه اسلام را باید خواند و دیگر چیزی به اسم اسلام باقی نمی‌ماند و هر مسلمانی است، همین حالا در هر منطقه ما با حکومت‌هایی مواجه هستیم که به کمال وقاحت در جلو دوربین‌ها می‌نشینند و با سران کودک‌کش رژیم غاصب صهیونیستی پیمان همکاری و روابط امضا می‌کنند. خب این همان اسلام یزیدی است که ادامه پیدا کرده و نمونه‌اش در این‌ها تبلور یافته است که کودکان یمنی و فلسطینی را در پیش چشممشان به شهادت می‌رسانند ولی با این وجود با این منصب ارتباط برقرار می‌کنند و چشم بر این همه جنایت می‌بندند.

بنابراین ما باید از الگوی حکمرانی قرآنی که مورد توجه امام حسین(ع) است و حضرت برای آن قیام کرده است صحبت کنیم و همزمان از الگوی حکمرانی طاغوتی برای مردم حرف بزنیم که امام حسین(ع) علیه آن قیام کرد. اگر از دست انبیای الهی جدا کند و دست خودش را از دست ائمه(ع) جدا کند سر از طاغوت درمی‌آورد. آیا امکان آن هست که دولت بدون اینکه سایه دین بر سر آن باشد، شکل بگیرد؛ بله، ولی در نهایت طاغوتی می‌شود. همان طور که به فاصله بسیار کمی پس از رحلت حضرت حکمرانی نمی‌شود؛ چرا که می‌دانید این بیعت منتج به حذف اسلام خواهد شد.

■ یا ایها النبی جاهد الکفار والمنافقین» یعنی چه؟

یا پیامبر! شما دو مدل دشمن داری که باید با هر دو آن‌ها مجاهده کنی؛ هم با کفار و دشمنان بیرونی و هم با منافقین و دشمنان درونی. منافق کسی است که به ظاهر ادعای اسلام می‌کند ولی به واقع به ارزش‌های اسلامی ایمان ندارد. قیام امام حسین(ع) قیام علیه نفاق است؛ قیام علیه یک آسیب داخلی در درون امت اسلامی است. امروز هم امت اسلامی گرفتار این انحطاط است. ما نزدیک به ۶۰ کشور اسلامی داریم ولی وضع و حال و روز این کشورها را ببینید که چگونه است.

زمانی که فرماندار مدینه، خبر مرگ معاویه را به امام حسین(ع) داد و خواست با یزید بیعت کند چون خبر دنیا را برای اینان به همراه خواهد داشت که امام در پاسخ ابتدا آیه استرجاع را تلاوت فرمودند و سپس فرمودند: «وعلی الإسلام السلام إذا بلیت الأمّة براع مثل یزید» یعنی با حکمرانی کسی مثل یزید فاتحه اسلام خوانده است و دیگر از اسلام چیزی باقی نمی‌ماند. پس برداشتی که امام حسین(ع) دارد این است که با روی کار آمدن یزید و حکمرانی کسی مثل او، اسلام از بین می‌رود و برای حفظ اسلام و امت اسلام قیام می‌کند.

مسئله مهم در اینجا توجه به مقوله حکمرانی و اهمیت آن از این جهت است که حکمرانی فردی مثل یزید می‌تواند منجر به نابودی اصل اسلام شود.

اگر تعریف حکمرانی را، راهبری و هدایت قدرت از ابده تا عمل بدانیم؛ باید قدرت راهبری شود و از آن استفاده شود تا یک آرمان و یک ایده و اندیشه و یک هدف و فکر تحقق و ظهور و بروز عینی پیدا کند. طبیعی است وقتی کسی مثل یزید به قدرت می‌رسد، آرمان‌ها و اهداف او دیگر رسیدن به عدالت و تحقق آن نیست؛ چرا که شرط تحقق مقوله‌ای چون عدالت این است که در درجه نخست نباید خود یزید در رأس قدرت قرار بگیرد و پرسشی که باید در این منصب تکیه بزند که شایستگی آن را داشته باشد.

اگر کسی معرفت و دانش لازم برای راهبری قدرت و هدایت جامعه از وضع موجود به وضع مطلوب را نداشته باشد یا حتی اگر حائز این معرفت باشد ولی راه و اطراف آن را نداشته باشد و منافع خود و اطرافیانش را بر منافع جامعه مقدم می‌کند، مشخص است چنین شخصی صلاحیت ندارد. این نقطه، خود شروع حکمرانی ظالمانه است و بنابراین اگر یزید بخواهد دستورات الهی را در جامعه پیاده کند باید کنار برود وزمانی که حاضر به کنار رفتن از این منصب نیست، به جنگ با امام حسین(ع) و از میان برداشتن او برمی‌خیزد. از آن طرف نیز امام حسین(ع) حاضر به بیعت با چنین حکمرانی نمی‌شود؛ چرا که می‌داند این بیعت دست گذاشته است، در باب سفینهٔ نوح مثالی می‌زنم: حضرت نوح می‌بینیم دارد غرق می‌شود. او می‌رود دستش را می‌گیرد و بیرون می‌آورد؛ خیلی بالاتر از مورد اول است. وقتی می‌بیند کسی دارد غرق می‌شود، نجاتش می‌دهد. این کار، غیر این است که بگوید: بیا سوار شو. لحن روایتی که راجع به امام حسین(ع) است، لحن دوم است.

کتابخانه حسینی

کتاب «مقتل الحسین(ع) به روایت شیخ صدوق» به چه پرسش‌هایی پاسخ می‌دهد

بازآفرینی یک گزارش از واقعه کربلا

رواق «مقتل الحسین(ع) به روایت شیخ صدوق» عنوان دومین اثری است که در این ستون به معرفی آن به مناسبت این ایام می‌پردازیم. ویراست دوم این کتاب به تازگی به کوشش محمد صحتی سردرودی در ۳۱۴ صفحه (وزیری) از مجموعه «کتاب‌های طف» (مطالعات عاشورا) انتشار یافته و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.

در میان کتاب‌های مفقود شیخ صدوق، از کتابی با عنوان «مقتل الحسین» نام برده شده است. او در همین در برخی از آثار، منتشر شده‌اش از آن کتاب نام برده و به آن ارجاع داده است. اما اصل کتاب از گزند روزگاران در امان نمانده و به دست ما نرسیده است. این کتاب کوششی است در بازآفرینی زندگانی امام حسین(ع) به ویژه مقتل او در بر می‌گیرد.

سرودوی در این اثر که خود آن را سومین کار مفصلش درباره عاشورا معرفی می‌کند، درباره قدرت شیخ صدوق از قبایع عاشورا می‌نویسد: «قرائت شیخ صدوق از عاشورا کار دینی و الهی است. در زبان شیخ صدوق پیوسته سخن از خدا، فرشتگان، پربان، روز رستاخیز، آسمان‌ها و عرش، جهان آخرت، معجزه، وحی و الهام، اخبار غیبی، ایمان و اعتقاد، انبیا و اولیای الهی جاری است.

در این نگرش، وقایع و حوادث بیشتر از آنکه رنگ عاشورا و قرائت‌های متداول و مرسوم از عاشورا قرائت‌های نخستین و مأنوثر آن، چه تفاوت یا تفاوت‌هایی، بلکه چه تعارض‌هایی دارد؟

مقتلی که شیخ صدوق روایت می‌کند، بی‌گمان می‌تواند به پرسش‌های مطرح شده و حتی به ده‌ها پرسش دیگر درباره زندگانی و مقتل امام حسین(ع) پاسخ گوید.

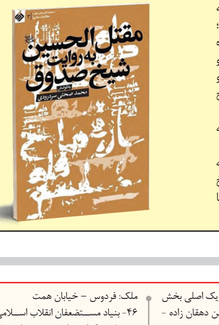

۱. آیا مقتل امام حسین(ع) جزو ایات امومختف - که هم‌تنها توسط یک تاریخ‌نگار غیرشیعی یعنی موخ بزرگ اسلام، ابوجعفر طبری نقل شده و به دست ما رسیده است- روایت دیگری ندارد؟

۲. آیا گزارش مدون فاجعه کربلا از طریق دانشوران شیعه، منحصر به دو کتاب «الملهوف» از سید ابن طاووس (م۶۶۴ق) و «مُثیرالاحزان» از ابن نمای حلی (م ۶۴۵ق) است که پس از گذشت ۶سده از تاریخ عاشورا آن را نقل کرده‌اند؟

۳. اگر کسی بخواهد وقایع و حوادث عاشورا را به نقل از دانشوران شیعی پی گیرد، باید آن را در آثاری چون ارشاد شیخ مفید یا مناقب ابن شهر آشوب و روضه الواعظین فتّال نیشابوری جست‌وجو کند؟ در حالی که قسمت مقتل از کتاب الارشاد به صورت مختصر بیان شده و تنها مستند به اقوال کلبی و مداینی است این کتاب کوششی است در بازآفرینی زندگانی امام حسین(ع) به ویژه مقتل او در بر می‌گیرد.

سرودوی در این اثر که خود آن را سومین کار مفصلش درباره عاشورا معرفی می‌کند، درباره قدرت شیخ صدوق از قبایع عاشورا می‌نویسد: «قرائت شیخ صدوق از عاشورا کار دینی و الهی است. در زبان شیخ صدوق پیوسته سخن از خدا، فرشتگان، پربان، روز رستاخیز، آسمان‌ها و عرش، جهان آخرت، معجزه، وحی و الهام، اخبار غیبی، ایمان و اعتقاد، انبیا و اولیای الهی جاری است.

در این نگرش، وقایع و حوادث بیشتر از آنکه رنگ خاکی و مادی داشته باشد صبغه خدایی و دینی دارد و عجیب اینکه کشندگان امام حسین(ع) نیز در آن دین می‌زنند و او برای خدا و به اصطلاح قربه الی الله می‌کشند! برخی وقایع تا آنجا ماورای طبیعت و عادت است که گاهی متقولات، کاملاً اسطوره‌ای می‌نماید.

ایـن قرائت را در سه محـور می‌تـوان خلاصه کرد: ۱. «امتناع و فرار از بیعت»؛ ۲. «شهـادت»؛ ۳. «مظلومیت تـان دهنده و بیداری‌بخش همراه با مصـیبت و صمیمیت مجـذوب‌کننـده و ایمان‌آفرین» که این هر سه محور از رفتار، کردار و گفتار امام حسین(ع) همیشه و در همه جا به وضوح پیداست.

نویسنده هدفش از این پژوهش را تلاش برای پاسخ به این پرسش‌ها می‌داند:

۱. آیا مقتل امام حسین(ع) جز روایت ابومخنف - که هم‌تنها توسط یک تاریخ‌نگار غیرشیعی یعنی موخ بزرگ اسلام، ابوجعفر طبری نقل شده و به دست ما رسیده است- روایت دیگری ندارد؟

۲. آیا گزارش مدون فاجعه کربلا از طریق دانشوران شیعه، منحصر به دو کتاب «الملهوف» از سید ابن طاووس (م۶۶۴ق) و «مُثیرالاحزان» از ابن نمای حلی (م ۶۴۵ق) است که پس از گذشت ۶سده از تاریخ عاشورا آن را نقل کرده‌اند؟

۳. اگر کسی بخواهد وقایع و حوادث عاشورا را به نقل از دانشوران شیعی پی گیرد، باید آن را در آثاری چون ارشاد شیخ مفید یا مناقب ابن شهر آشوب و روضه الواعظین فتّال نیشابوری جست‌وجو کند؟ در حالی که قسمت مقتل از کتاب الارشاد به صورت مختصر بیان شده و تنها مستند به اقوال کلبی و مداینی است این کتاب کوششی است در بازآفرینی زندگانی امام حسین(ع) به ویژه مقتل او در بر می‌گیرد.

سرودوی در این اثر که خود آن را سومین کار مفصلش درباره عاشورا معرفی می‌کند، درباره قدرت شیخ صدوق از قبایع عاشورا می‌نویسد: «قرائت شیخ صدوق از عاشورا کار دینی و الهی است. در زبان شیخ صدوق پیوسته سخن از خدا، فرشتگان، پربان، روز رستاخیز، آسمان‌ها و عرش، جهان آخرت، معجزه، وحی و الهام، اخبار غیبی، ایمان و اعتقاد، انبیا و اولیای الهی جاری است که گاهی متقولات، کاملاً اسطوره‌ای می‌نماید.

ایـن قرائت را در سه محـور می‌تـوان خلاصه کرد: ۱. «امتناع و فرار از بیعت»؛ ۲. «شهـادت»؛ ۳. «مظلومیت تـان دهنده و بیداری‌بخش همراه با مصـیبت و صمیمیت مجـذوب‌کننـده و ایمان‌آفرین» که این هر سه محور از رفتار، کردار و گفتار امام حسین(ع) همیشه و در همه جا به وضوح پیداست.

نویسنده هدفش از این پژوهش را تلاش برای پاسخ به این پرسش‌ها می‌داند:

۱. آیا مقتل امام حسین(ع) جز روایت ابومخنف - که هم‌تنها توسط یک تاریخ‌نگار غیرشیعی یعنی موخ بزرگ اسلام، ابوجعفر طبری نقل شده و به دست ما رسیده است- روایت دیگری ندارد؟

۲. آیا گزارش مدون فاجعه کربلا از طریق دانشوران شیعه، منحصر به دو کتاب «الملهوف» از سید ابن طاووس (م۶۶۴ق) و «مُثیرالاحزان» از ابن نمای حلی (م ۶۴۵ق) است که پس از گذشت ۶سده از تاریخ عاشورا آن را نقل کرده‌اند؟

۳. اگر کسی بخواهد وقایع و حوادث عاشورا را به نقل از دانشوران شیعی پی گیرد، باید آن را در آثاری چون ارشاد شیخ مفید یا مناقب ابن شهر آشوب و روضه الواعظین فتّال نیشابوری جست‌وجو کند؟ در حالی که قسمت مقتل از کتاب الارشاد به صورت مختصر بیان شده و تنها مستند به اقوال کلبی و مداینی است این کتاب کوششی است در بازآفرینی زندگانی امام حسین(ع) به ویژه مقتل او در بر می‌گیرد.

سرودوی در این اثر که خود آن را سومین کار مفصلش درباره عاشورا معرفی می‌کند، درباره قدرت شیخ صدوق از قبایع عاشورا می‌نویسد: «قرائت شیخ صدوق از عاشورا کار دینی و الهی است. در زبان شیخ صدوق پیوسته سخن از خدا، فرشتگان، پربان، روز رستاخیز، آسمان‌ها و عرش، جهان آخرت، معجزه، وحی و الهام، اخبار غیبی، ایمان و اعتقاد، انبیا و اولیای الهی جاری است که گاهی متقولات، کاملاً اسطوره‌ای می‌نماید.

ایـن قرائت را در سه محـور می‌تـوان خلاصه کرد: ۱. «امتناع و فرار از بیعت»؛ ۲. «شهـادت»؛ ۳. «مظلومیت تـان دهنده و بیداری‌بخش همراه با مصـیبت و صمیمیت مجـذوب‌کننـده و ایمان‌آفرین» که این هر سه محور از رفتار، کردار و گفتار امام حسین(ع) همیشه و در همه جا به وضوح پیداست.

نویسنده هدفش از این پژوهش را تلاش برای پاسخ به این پرسش‌ها می‌داند:

۱. آیا مقتل امام حسین(ع) جز روایت ابومخنف - که هم‌تنها توسط یک تاریخ‌نگار غیرشیعی یعنی موخ بزرگ اسلام، ابوجعفر طبری نقل شده و به دست ما

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان فردوس

بنظر به دستور مواد یک و سه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون فوق اذکر که در هیأت مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان فردوس مورد رسیدگی و رای آن صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی وزارت آموزش و پرورش (اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی) نسبت به شمشادک قسمتی از یکباب ساختمان ، به مساحت ۵۳/۳ متر مربع، پلاک ۱۴۶۲ فرعی از ۲۳۲ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، انتقال ملک از مالکی رسمی خانم فاطمه سپهر الهی - محل وقوع ملک: فردوس- میلان قائم ۵- قسمتی از مدرسه سید جمال اسد آبادی

۲- دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی وزارت آموزش و پرورش (اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان جنوبی) نسبت به شمشادک اعیان یکباب ساختمان ، به مساحت ۱۷۹۶/۴۳ متر مربع، از پلاک ۱۸۱۸۷ (بالقیمانده پلاک ۳۴۹۷ فرعی از ۲۴۹۴ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، از محل مالکیت اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان فردوس(موقوفه عبدالکریم مولوی حبیبی) برابر سند اجاره ۱۴۰۰۸-۱۰۶-۰۹۴۱۰۰۰۲۸۹۳۲۶۱۰۰۸ - ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ - اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان فردوس - محل وقوع ملک: فردوس- بلوار مدرد عزیزی- محل استخر شنا شهدای معلم

۳- خانم ملک دخت ملک زاده آرانسته فرزند آقا محمد باقر نسبت به یک سهم مشاع از یازده سهم شمشادک یکباب منزل ، به مساحت ۱۶۹/۴۱ متر مربع، از پلاک ۱۶۵۹ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، انتقال ملک به صورت قهری از مالک رسمی محمد باقر ملک زاده آرانسته - محل وقوع ملک: فردوس - اسلامیه - خیابان هاشمی نژاد۴

۴- آقای علی ایام فرزند رجب نسبت به شمشادک قسمتی از یکباب منزل ، به مساحت ۸۴/۲۸ متر مربع، از پلاک ۳۳۴ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، خریداری مالوالصلحه از مالکیت رسمی خانم ربابه زارعیان - محل وقوع ملک: فردوس - خیابان فاطمیه ۹

۵- آقای غلامرضا دانشور فرزند قلی جمعه نسبت به شمشادک یکباب منزل ، به مساحت ۳۲/۱۵ متر مربع، از پلاک ۴۹۹ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، از محل مالکیت مشاعی خودشان — محل وقوع ملک: فردوس - خیابان هفده شهریور ۱

۶- آقای غلامرضا دانشور فرزند قلی جمعه نسبت به شمشادک یکباب منزل ، به مساحت ۳۳/۴۴ متر مربع، بالقیمانده پلاک ۴۹۹ فرعی از ۲- اصلی بخش یک فردوس، از محل مالکیت مشاعی خودشان و انتقال قهری از مالک